

تحليل مفهومي

**بيانات آيةالله مصباح يزدي**

اولين مراسم سال تحصيلي مؤسسه آموزشي عالي اخلاق و تربيت

پيش‌نويس اول

سيدمهدي موسوي موشَّح

**آبان 1390**

.



**مندرجات**

1. نمودار محورهاي فرمايشات
2. فهرست فرمايشات
3. تحليل مفهومي
4. متن سخنراني

به نام خدا

فهرست بيانات آيةا… مصباح يزدي

# فهرست اجمالي

1. تأسيس مؤسسه آموزشي عالي اخلاق و تربيت؛ فعاليتي بسيار ارزشمند
2. جايگاه اخلاق در زندگي انسان
3. جايگاه اخلاق در معارف اسلامي
4. جايگاه اخلاق در تاريخ اسلام
5. ضرورت تحوّل در پژوهش‌هاي اخلاقي، با بررسي دوره‌هاي تحوّل فقه
6. معذور نبودن علماي عصر حاضر نسبت به قصور در پژوهش‌هاي اخلاقي
7. ضرورت‌هاي پژوهشي در حوزه اخلاق و راهكارهاي پيشنهادي
8. وجوبي بودن تكليف علما در پرداختن به پژوهش‌هاي اخلاقي
9. هدف عملي داشتن؛ تفاوت جوهري رشته اخلاق با ساير رشته‌هاي علمي

# فهرست تفصيلي

1. تأسيس مؤسسه آموزشي عالي اخلاق و تربيت؛ فعاليتي بسيار ارزشمند
2. جايگاه اخلاق در زندگي انسان
	1. وابستگي صلاح و فساد انسان به اخلاق؛ دليل ضرورت فعاليت‌هاي اخلاقي
	2. گستره اخلاق بر اساس منابع ديني
		1. شموليّت اخلاق بر رفتارها و ملكات
		2. شموليّت اخلاق بر امور فردي و اجتماعي
		3. شموليّت اخلاق بر اهداف دنيوي و اخروي
3. جايگاه اخلاق در معارف اسلامي
	1. تزكيه؛ وظيفه پيامبران، در كنار تعليم و هدايت تشريعي، از منظر آيات قرآن
	2. اخلاق؛ دليل بعثت پيامبران از نگاه قرآن
		1. قدر متيقّن معناي واژه قرآني «حكمت» در مسائل اخلاقي
		2. تعليم؛ بُعد آموزشي اخلاق و تزكيه؛ بُعد پرورشي اخلاق
4. جايگاه اخلاق در تاريخ اسلام
	1. عدم توجه كافي به اخلاق نسبت به فقه، در فعاليت فقهاي گذشته
		1. دليل عدم توجه علماي سابق نسبت به اخلاق؛ يكي از موضوعات پيشنهادي براي پژوهش در مؤسسه
5. ضرورت تحوّل در پژوهش‌هاي اخلاقي، با بررسي دوره‌هاي تحوّل فقه
	1. بررسي دوره‌هاي تحوّل فقه
		1. دوره اول فقه؛ نگارش متن روايات به عنوان احكام فقهي
		2. دوره دوم فقه؛ تطبيق روايات عامه و اماميه و تفريع فروع با استفاده از متد فقاهتي
			1. تمثيلي از عمق يافتن مباحث فقهي؛ اختصاص يك باب فقهي تنها در بررسي يك روايت
	2. كم‌تر نبودن تعداد روايات اخلاقي از روايات فقهي
	3. پيدايش چشمه‌هايي از علوم؛ با تحقيق در روايات اخلاقي
6. معذور نبودن علماي عصر حاضر نسبت به قصور در پژوهش‌هاي اخلاقي
	1. ضرورت حفظ اصل شريعت؛ دليل احتمالي قصور علماي گذشته در پژوهش‌هاي اخلاقي
	2. اهميت پژوهش‌هاي اخلاقي در عصر حاضر، به دليل سرايت مسائل اخلاقي به مباحث اعتقادي
		1. تصريح قرآن به تضعيف ايمان توسط رفتارهاي غيراخلاقي
		2. حاكي بودن تجربه از تأثير رفتارهاي غيراخلاقي در بروز انحرافات اعتقادي
		3. تمايل به گناه در نتيجه ارتكاب آن؛ سبب منكر شدن به دين و شريعت، بر اساس تحليل روانشناختي
	3. پيدايش ناهنجاري‌هاي اخلاقي در پاره‌اي از شريف‌ترين محافل جامعه
		1. دست داشتن عوامل خارج از كشور در گسترش ناهنجاري‌هاي اخلاقي
7. ضرورت‌هاي پژوهشي در حوزه اخلاق و راهكارهاي پيشنهادي
	1. راهكار اثباتي و ايجابي، تنها روش براي مقابله با ناهنجاري‌هاي اخلاقي
	2. آغاز فعاليت اخلاقي و تربيتي از جوانان، به دليل آلودگي كم‌تر
	3. پاسخگويي نظري و علمي به شبهات اخلاقي
	4. پژوهش‌هاي تطبيقي اخلاقي با تكيه بر معارف اهل بيت(ع)، با دقت و بدون اهمال‌كاري
	5. ايجاد انگيزه فردي براي دوري از ناهنجاري‌هاي اخلاقي، به دليل ناكارآمدي زور در اين زمينه
		1. برخورد قانوني دولت با ابزارهاي ترويج مفاسد اخلاقي؛ وظيفه‌اي خارج از حوزه‌هاي علميه
8. وجوبي بودن تكليف علما در پرداختن به پژوهش‌هاي اخلاقي
	1. هم‌عرض بودن پژوهش‌هاي اخلاقي و مقابله با شبهات اعتقادي؛ به عنوان دو واجب مؤكّد
9. هدف عملي داشتن؛ تفاوت جوهري رشته اخلاق با ساير رشته‌هاي علمي
	1. ضرورت تأديب نفس خود؛ پيش از پرداختن به تربيت ديگران، به دليل هدف عملي اخلاق

به نام خدا

سخنراني آيةا… مصباح ـ تحليل مفهومي اوليه (پيش‌نويس)

# محورهاي بحث

محورهاي فرمايش استاد مصباح را در سرفصل‌هاي ذيل مي‌توان طبقه‌بندي كرد:

1. ضرورت فعاليت‌هاي اخلاقي
2. ضرورت‌هاي فعاليت‌هاي اخلاقي

## محور اول

استاد مصباح از سه منظر ضرورت فعاليت‌هاي اخلاقي در عصر حاضر را اثبات مي‌نمايند:

1. وابستگي تعالي انسان به اخلاق كه تمام هدف انبياء نيز آموزش و پرورش اخلاقي است.
2. قصور علماي گذشته در فعاليت‌هاي نظري اخلاقي و كمبود منابع علمي در اين موضوع.
3. بحران‌هاي اخلاقي حادث شده در جامعه اسلامي و خصوصاً در شريف‌ترين محافل اجتماعي.

## محور دوم

ايشان در ادامه بايدها و ضرورت‌هايي را در فعاليت‌هاي اخلاقي طرح مي‌فرمايند كه توجه به آن‌ها در اين دست پژوهش‌ها لازم است:

1. ضرورت تأديب نفس خود، پيش از پرداختن به تربيت ديگران، به دليل تفاوت جوهري اخلاق با علوم نظري
2. تكيه بر معارف اهل بيت(ع) در پژوهش‌هاي اخلاقي
3. استفاده از الگوي رشد و توسعه تاريخي علم فقه در بسط علم اخلاق
4. دقت فراوان و عدم اهمال‌كاري در فعاليت‌هاي اخلاقي و پرهيز از گزارش‌سازي و ظاهرسازي
5. اتخاذ راهكار اثباتي و ايجابي [توليد علم اخلاق و ترويج ارزش‌هاي اخلاقي] به جاي راهكار سلبي [برخورد]
6. اهتمام به جوانان در ترويج اخلاق، به دليل آلودگي كمتر و آمادگي بيشتر
7. ناكارآمدي اجبار و زور در ترويج اخلاق و ضرورت ايجاد انگيزه‌هاي فردي در تربيت اخلاقي

# بحث‌هاي محوري

استاد مصباح براي انتباه به ضرورت اهتمام به فعاليت‌هاي اخلاقي و ارائه راهكارها و پيشنهادات خود، بحث‌هايي را مطرح فرموده‌اند كه توجه به آن‏ها اهميت فراواني دارد. اين بحث‌هاي محوري شايسته دقت بيشتر مي‌باشند و بايسته است در پژوهش‌ها مورد مطالعه و دقت قرار بگيرند.

## نسبت «اخلاق» و «اعتقادات»

ايشان متذكر مي‏شوند كه رفتارها و ملكات حاصله از اين رفتارها، اخلاقي را در فرد شكل مي‌دهد كه نتيجه آن تغيير در اعتقادات است. بنابراين بسياري از شبهات اعتقادي ريشه در رفتارهاي ناهنجار رايج در جامعه دارد. ايشان در تبيين اين مطلب از شواهد قرآني و تجربيات تاريخي ياري مي‌گيرند.

## همراهي «فعاليت‌هاي اخلاقي» و «مقابله با شبهات اعتقادي»

بر اساس محور ذكر شده قبلي، ايشان وجوب فعاليت‌هاي اخلاقي را بسيار مؤكّد و هم‌عرض با ضرورت مقابله با شبهات اعتقادي ذكر مي‌فرمايند. زيرا روشن است اگر شبهات اعتقادي ريشه در ناسره‌هاي رفتاري دارد، صرف بحث نظري و علمي نمي‌تواند آحاد جامعه را هدايت اعتقادي نمايد. لذا دين‌گريزي و دين‌ستيزي را بايد در ترويج رفتارها و ملكاتي جستجو كرد كه فرهنگ جامعه را ناهنجار مي‌نمايد.

## نسبت «فقه» و «اخلاق»

بر اساس فرمايش استاد مصباح، «حكمت» در آيات قرآني، با توجه به هدف بعثت انبياء كه مكرمت‌هاي اخلاقي بوده است، ظهور در معناي اخلاق دارد. از اين رو، «علم فقه» جنبه آموزشي حكمت و اخلاق را بر عهده دارد و «علم اخلاق»، بمعني‌الأخص، متكفّل جنبه پرورشي حكمت و اخلاقي است كه انبياء براي ترويج آن در ميان بشر مبعوث شده‌اند. پس اين دو علم نقش مكمّل دارند و يكي بدون ديگري قادر به هدايت جامعه نخواهد بود.

## تفاوت جوهري «اخلاق» با ساير علوم نظري

علم اخلاق صرفاً مجموعه‌اي از گزاره‌هاي علمي و نظري نيست كه براي يادگيري آن مانند ساير علوم بتوان عمل كرد و با مطالعه و يادگيري تعدادي قضيه‌ علمي متخلّق شد. علم اخلاق ناظر به رفتارهاي بشر است و رفتارهاي بشر از عقل عملي و اختيار سرچشمه مي‌گيرد. علم اخلاق مجموعه‌اي از قواعد رفتاري است كه با تكرار تبديل به ملكات فاضله شده و خُلق و خو را در فرد مي‌سازد و تأسيس مي‌كند.

### تقدّم تأديب نفس مربّي بر تربيت متربّي

بنابراين نحوه ترويج و تعليم آن متفاوت بوده و مربّي خود بايد تربيت‌شده و متخلّق باشد، تا بتواند با اعمال و رفتار خود، مكارم اخلاقي را به متربّي ياد داده و به عبارت دقيق‌تر او را «تربيت» نمايد.

### وابستگي اخلاق به اختيار فرد

از سوي ديگر، ابتناء رفتار بر اختيار بشر، نمي‌توان به زور و تحميل، اخلاق را ترويج داد و فراگير كرد. انسان حكومت بر رفتار خود دارد و براي تغيير رفتار او بايد انگيزه‌هاي خود فرد را تحت تأثير گذاشت، به گونه‌اي كه متربّي خود «بخواهد» رفتارش را تغيير دهد.

# ضرورت‌هاي پژوهشي [پيشنهاد نويسنده]

به نظر مي‌رسد با توجه به مطالب فوق بايد فعاليت‌هاي ذيل در زمينه علم اخلاق صورت پذيرد:

1. شناسايي رفتارهاي ناهنجار در جامعه
2. تناسب‌يابي هر رفتار با شبهات اعتقادي منشعب از آن و سهم‌يابي تأثير آنان در انحراف جامعه
3. اولويت‌گذاري در پرداختن به ناهنجاري‌هاي اجتماعي، بر اساس ميزان سهم تأثير آن‌ها
4. بررسي انگيزه‌هاي صدور و بروز رفتارهاي ناهنجار مورد نظر
5. يافتن راهكارهاي حذف مناشئ ايجاد انگيزه‌هاي بروز رفتارهاي ناهنجار و ترويج انگيزه‌هاي سره
6. تحليل ويژگي‌هاي ارتباطي با مخاطب اصلي يعني جوانان، در ترويج انگيزه‌هاي رفتارهاي هنجار
7. ترسيم چشم‌انداز، اهداف آرماني، اصول و سياست‌ها و طراحي برنامه‌هاي ارتقاء اخلاقي جامعه

سيدمهدي موسوي موشَّح - 22 ذوالحجة 1432

به نام خدا

بيانات آيت ا...مصباح دراولين مراسم سال تحصيلي موسسه آموزشي عالي اخلاق وتربيت

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد الله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيه الله في العرضين ارواحنا الفداء

# تأسيس مؤسسه آموزشي عالي اخلاق و تربيت؛ فعاليتي بسيار ارزشمند

خداي متعال را شكر مي‌كنم كه حياتي عنايت فرمود و توفيقي كه در اين ايامي كه مقارن با دهه كرامت هست در اين محفل شرف حضور پيدا كنم و آغاز يك فعاليت بسيار ارزشمندي را نظاره گر باشم. حضور بنده در اينجا پيش از هرچيز فقط براي عرض ارادت به عزيزاني است كه كمر همت در اين راه بسته‌اند و تلاشهاي خداپسندانه‌اي را انجام داده‌اند و خواهند داد. بيش از اين هرچيز بگويم اتلاف وقت هست. ولي طبق مراسم بايد چيزي گفت؛ با اجازه در اين فرصتي كه هست 2-3 مطلب را فهرست‌وار عرض مي‌كنم چون فرصتي براي تفضيل نيست.

# جايگاه اخلاق در زندگي انسان

## وابستگي صلاح و فساد انسان به اخلاق؛ دليل ضرورت فعاليت‌هاي اخلاقي

اول ضرورت و اهميت فعاليت‌هاي اخلاقي در زندگي انسان ؛ در يك جمله صلاح و فساد و سعادت و شقاوت انسان بيش از هرچيز مرهون اخلاق و منش اوست،

## گستره اخلاق بر اساس منابع ديني

### شموليّت اخلاق بر رفتارها و ملكات

### شموليّت اخلاق بر امور فردي و اجتماعي

### شموليّت اخلاق بر اهداف دنيوي و اخروي

مخصوصاً اگر اخلاق را طوري تفسير كنيم كه بر اساس كاربردهايي كه در منابع ديني دارد هم شامل رفتارها بشود هم شامل ملكات، هم شامل امور فردي بشود و هم اجتماعي. هم اهداف دنيوي را دنبال كند هم اخروي، در حضور آقايان فكر ميكنم توضيح دادن موردي ندارد با اين وقت كم.

# جايگاه اخلاق در معارف اسلامي

نكته دوم جايگاه معارف اخلاقي و دستورالعمل‌هاي اخلاقي در مجموعه و منظومه معارف و برنامه‌هاي اسلام است.

مطلب اول به طور كلي در بحث آزاد بود كه اخلاق چه جايگاهي در زندگي انسان دارد. اين بحثي است متمم آن، كه از نظر اسلام چه اهميتي دارد و جايگاهش كجاست.

## تزكيه؛ وظيفه پيامبران، در كنار تعليم و هدايت تشريعي، از منظر آيات قرآن

اين را هم به اشاره عرض مي‌كنم كه آياتي كه در قرآن اهداف پيامبران را بيان مي‌كند چند آيه هست كه يعلمهم و يزكيهم يا يزكيهم و يعلمهم دارد كه در كنار تعليم كه وظيفه اصلي هدايت پيامبران هست هدايت تشريع الهي، تزكيه را هم ذكر مي‌كند.

## اخلاق؛ دليل بعثت پيامبران از نگاه قرآن

### قدر متيقّن معناي واژه قرآني «حكمت» در مسائل اخلاقي

وجالب اين است كه در يعلمهم هم، يعلمهم كتاب والحكمه مي‌فرمايد. تنها قوانين و ضوابط و احكام فقهي ملاك نيست آن شامل تعليم كتاب است؛ حكمت در اصطلاح قرآن در كاربردهايي كه درآيات قرآن دارد بيشتر مسائل اخلاقي است، در سوره اسراء بعد از اينكه يك سلسله از دستورات اخلاقي را خداوند متعال به پيامبر اكرم بيان مي‌فرمايد بعد مي‌فرمايد ما اينها را از حكمت به تو آموختيم. قدر متقن از موارد استعمال حكمت، مسائل اخلاقي است.

### تعليم؛ بُعد آموزشي اخلاق و تزكيه؛ بُعد پرورشي اخلاق

منتهي چون تعليمِ حكمت هست بُعد آموزشي آن را متكفل هست و ما يزكيهم بعد پرورشي آنرا بيان مي‌كند. يعني اخلاق هم آموزش و هم پرورش و اجراي عملي آن از اهداف اصلي انبياء است

و وقتي كلام پيامبر اكرم را ملاحظه كنيم كه فرمود إنّی بعثت لاتمم مکارم الأخلاق مطلب كاملاً روشن مي شود كه اخلاق در مجموعه و منظومه معارف اسلامي چه جايگاهي دارد اين هم يك نكته كه به بحث اجمالي و فهرست‌‌وار اكتفا مي‌كنم.

# جايگاه اخلاق در تاريخ اسلام

 و نكته سوم بررسي تاريخي فعاليت هاي اخلاقي در طول تاريخ اسلام است كه از زمان خود پيامبر اكرم (صلي الله عليه وآله) و بعد حضرات امامان معصوم عليهم السلام تا امروز كه بيش از چهارده قرن مي گذرد چه فعاليت‌هايي در زمينه ترويج اخلاق، تعليم اخلاق، پژوهش درباره اخلاق، اخلاق تطبيقي و چيزهايي از اين قبيل انجام گرفته است.

## عدم توجه كافي به اخلاق نسبت به فقه، در فعاليت فقهاي گذشته

 اگر جايگاه اخلاق در منظومه معارف اسلامي اينقدر مهم است، قاعدتاً بايد كه علاقه‌مندان به معارف اسلامي ، علما ، بزرگان اهتمام متناسب با اين شان درباره آن داشته باشند. اما در حد معلومات بسيار ناقص بنده كه قريب به صفر هست متاسفانه چنين چيزي را سراغ ندارم. ما كتاب‌هايي كه امروزه در علوم اسلامي نوشته شده در زمينه هاي مختلف فراوان داريم؛ الحمدالله در زمينه فقه و اصول دائما اين جريان ادامه دارد و هر روز كتاب هاي جديدي با عناوين جديد از بزرگان، مراجع تقليد، اساتيد فقه منتشر مي‌شود و در دسترس پژوهندگان قرار ميگيرد، اما اگر ما بخواهيم از صدر اسلام تا به حال نوشته شده فهرستي تهيه كنيم و ببينيم چند كتاب است؛ درباره فقه هزاران كتاب داريم كتاب‌هايي كه هركدام گاهي 7-8 جلد بزرگ هستند مثل دوره جواهر دوره مفتاح الكلام دوره مبسوط. اما درباره اخلاق كتاب كوچك و بزرگ مجموعاً از صدر اسلام تا الان چند كتاب داريم؟! آنچه مسلم است اين است كه اين دو قابل مقايسه نيستند از نظر تعداد.

### دليل عدم توجه علماي سابق نسبت به اخلاق؛ يكي از موضوعات پيشنهادي براي پژوهش در مؤسسه

حالا چرا كم به اين موضوع پرداخته‌اند جاي مطالعه دارد؛ شايد هم يك وجه صحت دارد كه عقل ما نمي‌رسد. اما به نظر من با اين نظر اجمالي نسبت به اخلاق بي‌مهري شده است، خوب است عزيزاني كه در تاريخ كار كرده‌اند يا دوست دارند در اين زمينه‌ها مطالعه كنند بررسي كنند كه چرا كتاب هاي اخلاقي اينقدر كم است. ما هم‌اينك در حوزه اخلاق شيعه بگويند چند كتاب اخلاقي را اسم ببريد چندكتاب بلد هستيم؟! گر يكي از آقايان بلند شوند بگويند من نام 10 كتاب اخلاقي مي‌دانم. اما در رشته‌هاي مختلف ما صدها و هزارها كتاب داريم، چرا بايد اينگونه باشد؟! سرّ آن چيست؟ اين موضوع قابل مطالعه است و پژوهشي مي‌خواهد؛ انشاءالله كه آقايان در دوره پژوهش‌هاي خود اين موضوع را موضوع تحقيق خود قرار دهند.

# ضرورت تحوّل در پژوهش‌هاي اخلاقي، با بررسي دوره‌هاي تحوّل فقه

نكته ديگر تحولي است كه در زمينه‌هاي اخلاقي خصوصاً نوشتن كتاب‌هاي اخلاقي و انتقال مفاهيم اخلاقي به نسلهاي بعد وجود دارد. مي‌دانيم كه منبع همه علوم اسلامي ابتدا قرآن بوده است و فرمايشات پيامبر اكرم (صلي الله عليه وآله) و اهل بيت عليهم السلام، آنچه به عنوان علم اسلامي مطرح مي‌شد منبع آن، اينها بوده، البته الان هم همين‌هاست. اما در كيفيت عرضه مطالب كتاب سنت در رشته‌هاي مختلف از ابتدا تا به حال خيلي تحول حاصل شده است.

## بررسي دوره‌هاي تحوّل فقه

### دوره اول فقه؛ نگارش متن روايات به عنوان احكام فقهي

در يك دوراني كه خود آن هم قابل تقسيم به چند دوره فرعي هست احكام فقهي ما تقريباً متن روايات بود حتي در زمان شيخ صدوق (رحمت الله عليه) كتاب‌هاي فقهي كه ايشان نوشته‌اند و خوشبختانه در همين عصر هم تحقيق شده و آنها و مدارك ‌آن را پيدا كرده‌اند، تقريباً متن روايات با حذف سند و مقدمه و مؤخره كتاب فقهي مقنعه، هدايه و اينهاست و فقهاي بزرگ زحمت كشيده‌اند كه همين‌جا داخل پرانتز خوب است كه از زحماتي كه اين بزرگان امثال بخصوص شيخ صدوق(رحمه الله عليه) در جمع روايات فقه، مسائل روايات اهل بيت(عليهم السلام) كه آن زمان اينها كشيده‌اند خوب است كه آقايان مطالعه ‌اي داشته باشند. كه آن روز با سوار شدن بر استر و شتر مسافرت كردن و رفتن تا فرقانه در آسياي مركزي براي اينكه يك حديثي از يك شيخ اهل تسنن سوال بكنند كه اين يعني چه؟ چگونه اين روايات را جمع كنند و كتاب‌هايي امثال من لا يحضر الفقيه يا ساير كتاب‌هاي بزرگي كه واقعاً از بهترين كتاب‌هايي است كه در زمينه معارف داريم از شيخ صدوق(رضوان الله عليه) داريم. معاني الاخبار، خصال و ساير كتاب‌ها ، اينها رو جمع آوري كرده‌اند و در اختيار ما گذاشته‌اند. با چه همتي با چه تلاشي با چه اخلاصي ولي به هر حال حاصل فعاليتهاي فقهي ايشان همين كتابهاي امثال مقنعه و هدايه و اينهاست؛ اين يك دوره از دوران فقهي ما بوده است

### دوره دوم فقه؛ تطبيق روايات عامه و اماميه و تفريع فروع با استفاده از متد فقاهتي

يك دوره ديگر كه از زمان شيخ طوسي(رضوان‌الله‌عليه) شروع مي‌شود و بيشتر تحت تاثير فعاليتهاي فقهي اهل تسنن است چون منابعشان ضعيف بوده است روايات نبوي خيلي كم داشته‌اند منابع فقهي‌ايشان عمدتاً كلمات صحابه بود و بعد هم تابعين، بعد فقه شيعه كه بر اساس روايات اهل بيت (صلوات‌الله‌عليه‌اجمعين) پي ريزي شده بود احتياج به تطبيق داشت و اثبات برتري و شيخ طوسي در اين زمينه كارهاي بسيار ارزشمندي انجام دادند چه كتاب خلاف در بحث تطبيقي فقه، چه كتاب مبسوط كه تقريباً اولين تلاش مهمي بود كه در زمينه فقه اجتهادي در عالم تشيع انجام گرفت. حالا كتاب مبسوط را با كتاب هدايه شيخ صدوق مقايسه كنيم اينها زمانشان خيلي نزديك بود، خيلي تفاوت هست در كيفيت استفاده از روايات، تفريع فروع و تحقيق در منابع فقه در استفاده از متد فقاهتي كه اين ماخوذ از اهل بيت (صلوات الله عليهم اجمعين) بوده است. كم كم اين روشي كه ابتكارش رو از يك نظر به شيخ مفيد مي‌شود نسبت داد ولي شكوفايي آن به دست شيخ طوسي بوده اوج گرفت تا زمان مرحوم علامه حلي (رضوان الله عليه) و محقق حلي و ديگران به اوج خودش رسيد. و ديگه در عصر اخير به بركت بزرگاني امثال شيخ انصاري(رضوان الله عليه) از لحاظ اوج فقاهت و دقت در استفاده از روايات ديگر مثال زدني شد، اين سير در فقه كاملاً مشهود است كه از يك كار ساده‌اي كه بررسي متن روايات است و آنها را به عنوان كتاب فقهي درآورده‌اند و عين عبارت‌ها محفوظ است؛ شروع ميشود تا به مكاسب شيخ مي‌رسد كه يك روايت ايشان مي‌بينيد كه دهها صفحه بحث مي‌كند.

#### تمثيلي از عمق يافتن مباحث فقهي؛ اختصاص يك باب فقهي تنها در بررسي يك روايت

يادم آمد يك داستاني مرحوم آقاي بهجت رضوان الله عليه نقل مي‌كردند ايشان مي‌فرمودند كه دوتا برادر بودند در نجف كه يكي رفتند به سامرا مدتي آنجا تحصيل مي‌كردند بعد كه برگشته بود برادرش پرسيد كه استاد شما آنجا چه چيزي تدريس مي‌كنند.گفت كتاب "الناس مسلطون.." را بحث مي‌كنند. يعني مدتي كه من آنجا بودم ايشان درباره اين روايت الناس مسلطون... كه حالا سندش هم قطعي نيست نمي‌دانم با تحقيقات قطعي شده است يا نه، مدتي درباره اين روايت بحث مي‌كردند كه اسمش را هم گذاشته بودند كتاب الناس مسلطون. غرض كار تحقيق فقهي به اينجا مي‌رسد كه يك روايت آنقدر زمينه تحقيق پيدا مي‌كند كه استادي مثل شيخ انصاري، مثل آقاي ميرزا حبيب الله رشتي، مثل ميرزاي شيرازي مثل ساير بزرگان مدتها عمرشان را صرف تحقيق درباره يك روايت مي‌كنند؛ شما اگر روايت زراره را از كتاب استصحاب شيخ برداريد؛ لا تنقض بالشك را از كتاب استصحاب برداريد چه چيزي مي‌ماند؟! ما يك كتاب قطور درباره مباحث استصحاب از همين روايت و يكي دو روايت ديگر استنباط مي‌كنيم. اين نهايت تلاش مشكوري است كه بزرگان ما كرده‌اند. و قطعاً هر لحظه‌اي از عمرشان رو صرف اينها كرده‌اند باعث تقرب به خداي متعال و باعث بركت براي عالم اسلام و تشيع بوده، شكرالله سعيهم انشاءالله.

## كم‌تر نبودن تعداد روايات اخلاقي از روايات فقهي

اما حالا مي‌آييم در اخلاق شايد تعداد روايات اخلاقي ما از تعداد روايات فقهي كمتر نباشد! اما چه اندازه در اين زمينه آن تحقيقاتي كه مي‌بايست انجام بگيره ممكن است كساني بگويند جاي تحقيق ندارد روايت اخلاقي واقعاً اگر ما بوديم و لا تنقض اليقين بالشك جاي تحقيقي مثل كتاب استصحاب مي‌طلبيد.

## پيدايش چشمه‌هايي از علوم؛ با تحقيق در روايات اخلاقي

وقتي تحقيق كردند آن وقت آدمي مي‌بيند كه تا چه اندازه مي‌شد از اين چشمه آب استخراج كرد چه بسا اگر از چند روايت اخلاقي فقط چند روايت، اگر چنين تحقيقاتي انجام مي‌گرفت چشمه‌هايي از علوم پديد مي‌آمد؛ متاسفانه اينكار نشده است.

# معذور نبودن علماي عصر حاضر نسبت به قصور در پژوهش‌هاي اخلاقي

جمله آخر اين است كه حالا كه نشده آن كساني كه اين كار را انجام نداده‌اند فرضاً اگر كوتاهي هم شده باشد قاصر بوده‌اند ما هيچ سوءظني نداريم كه تقصيري در اين زمينه انجام گرفته،

## ضرورت حفظ اصل شريعت؛ دليل احتمالي قصور علماي گذشته در پژوهش‌هاي اخلاقي

يا كارهاي ديگر را واجبتر مي‌دانسته‌اند و فكر مي‌كردند كارهاي اخلاقي عملش مستحبات است اما روايات فقهي مسائل واجب و حرام است، اصل شريعت است و در معرض خطر است و چيزهايي از اين قبيل البته شايد. به هر حال اگر كوتاهي هم شده بوده كوتاهي به معناي كلمه قصور است ما سوءظني به بزرگان نداريم كه تقصير كرده باشند؛ اما حقيقتاً برداشت ما اين است كه در اين زمينه قصورهايي بوده است. آيا ما هم نسبت به اين قصورها معذوريم؟! آنها شايد توجهي نداشته‌اند و كارهاي واجبتري داشته‌اند،

## اهميت پژوهش‌هاي اخلاقي در عصر حاضر، به دليل سرايت مسائل اخلاقي به مباحث اعتقادي

جمله اخير بنده اين است كه زمان ما شرايطي پيش آمده كه ضرورت فعاليت‌هاي اخلاقي باضعافٍ مضاعفه بالا برده است. زماني كارهاي اخلاقي از كارهاي واجب بود جزئي از منابع اسلامي بود، از معارف اسلامي بود، هدف بعثت انبياء تلقي مي‌شد و چيزهايي از اين قبيل. اما امروز مسائل اخلاقي طوري است كه اگر بهاي كافي به آن داده نشود و در اين زمينه فعاليت علمي و عملي انجام نگيرد احتمال اين كه نه تنها مباحث اخلاقي اسلام در خطر باشد بلكه مسائل اعتقادي هم به خطر بيفتد. ممكن است اين حمل بر مبالغه شود كه مباحث اخلاقي چه ربطي به اعتقاد دارد؛

### تصريح قرآن به تضعيف ايمان توسط رفتارهاي غيراخلاقي

اولا ما در خود قرآن دلائلي داريم كه نه تنها رفتارهاي غير اخلاقي ايمان را ضعيف مي‌كند بلكه گاهي سلب مي‌كند. در آيه‌اي در قرآن مي فرمايد كساني با خدا عهد كرده‌اند كه اگر خدا مالي به آنها بدهد بخشي از آن را در راه خدا انفاق كنند، وقتي خدا به آنها داد عمل نكردند، فاعقبهم نفاقاً في قلوبهم الي يوم ......بما . نتيجه ترك عمل به يك عهد فعقبهم نفاقاً في قلوبهم .... رفتار زشت كم كم عقائد آدمي را از بين مي‌برد. ثم كانا عاقبتا... .(سوره توبه) رابطه بسيار عميقي بين عمل و اعتقاد وجود دارد قلبي كه به اعمال زشت آلوده شد ديگر جايگاه توحيد و معارف بلند را نخواهد داشت. ايمان ضعيف شده و گاهي هم از بين مي‌رود. اين يك دليل قرآني كه چنانچه به مباحث اخلاقي در اين زمان اهتمام نشود نه تنها اخلاق ضعيف مي‌شود بلكه حوزه عقائد هم به خطرمي‌افتد.

### حاكي بودن تجربه از تأثير رفتارهاي غيراخلاقي در بروز انحرافات اعتقادي

يكي از تجربه‌هاي عيني؛ اگر يك تحقيق ميداني جامعه شناختي درباره انحرافاتي كه جوانان ما از نظر فكري پيدا مي‌كنند؛ كه چرا گرايش پيدا مي‌كنند به بعضي از مذاهب انحرافي؟ چرا بي دين مي‌شوند؟ ايمانشان ضعيف مي‌شود؟ يك تحقيق ميداني انجام بگيرد. بررسي شود چه رفتاري داشته‌اند چرا كارشان به اينجا رسيد؟ قطعاً به اين نتيجه خواهيد رسيد. شايد خود شما هم افرادي را تجربه كرده باشيد. آنچه از ابتدا منشأ انحراف شده يك رفتار بوده، ديدن يك فيلم بوده كه كم كم كشيده شده به اين موضوع كه گفته‌اند: خواستيم ببينيم در دنيا چه خبر است. ما قصد لذت بردن نداريم ميخواهيم ببينيم در دنيا چه خبر است، ابتدا خواستيم ببينيم دنيا چه خبر است شب بعد ديديم بي ميل نيستيم كه يك فيلم تماشا بكنيم كم كم شديم معتاد. و بعد ديديم كه اين همه لذت در دنيا هست چرا استفاده نكنيم اول راه‌هاي حلال(ازدواج) بعد چيزهاي ديگر. و من سراغ دارم افراد برجسته‌اي، اين كه عرض مي‌كنم برجسته تحقيقاً مي‌گويم. افراد برجسته‌اي كه هم از نظر علم و هم تحصيلات حوزوي در حد اجتهاد درس خوانده‌اند از نظر اخلاقي از نظر منش اجتماعي افراد متين و موقر. اما در اثر ارتباط با اين مسائل كارش به جايي رسيده كه عبادات واجبش را هم ترك كرده و بعد نسبت به عقائدش هم شبهه پيدا كرده،

### تمايل به گناه در نتيجه ارتكاب آن؛ سبب منكر شدن به دين و شريعت، بر اساس تحليل روانشناختي

حالا سرّش چيست؟ اين يك مسأله روانشناختي است كه روانشناس‌ها مطرح مي‌كنند. اما شايد يكي از نكته‌هاي آن اين باشد كه وقتي آدم خيلي تمايل به يك چيز پيدا كرد نمي‌تواند بپذيرد كه اين گناه است كه من انجام مي‌دهم و يك راهي براي توجيهش پيدا مي‌كند، توجيهات آخرش به اينجا مي‌رسد كه خدا گفته پيغمبر گفته و نمي‌شود كاري كرد. مي‌گويد از كجا معلوم خدا و پيغمبر درست گفته باشد. همين حرفها و شبهاتي كه پيدا شده تا به آنجا كه به انكار شريعت انجاميده و اينكه وحي يك نوع حالت عرفاني هست و هيچ دلالتي بر حجيت ندارد. كمي بالاتر رفته كه اون اصل اصليش را هم زير سوال مي‌برد. اينها شده است كه بنده عرض مي‌كنم خيالبافي نيست.

منظورم اين است كه ضعف مسائل اخلاقي فقط به حوزه اخلاق و رفتارها منحصر نمي‌شود سرايت مي‌كند به اصل دين و اعتقاد و توحيد و نبوت و معاد و .. علاوه بر مفاسد اجتماعي

## پيدايش ناهنجاري‌هاي اخلاقي در پاره‌اي از شريف‌ترين محافل جامعه

(من نمي‌دانم آقايان تا چه اندازه اطلاعات دارند و قاعدتاً اطلاعات شما از بنده خيلي بيشتر است چون هم سن بنده اقتضاء اين مسأله را نمي‌كند و هم مشغوليت‌ها و هم انزواي طبيعي كه آدمي در اين سنين پيدا مي‌كند) حتما مي‌دانيد كه در شريف‌ترين محافل (اينجور عرض كنم چون ممكن است اينها جاي ديگر هم نقل شود) در شريفترين محافل بعضي از ناهنجاري‌هاي اخلاقي پيدا شده كه شايد 20سال قبل اصلاً به ذهن كسي خطور نمي‌كرد.

### دست داشتن عوامل خارج از كشور در گسترش ناهنجاري‌هاي اخلاقي

وجود اين‌ها كه البته به طور قطع پشتوانه خارج از كشور دارد. عواملي در دست هست براي اينكه فرهنگ اسلامي و پايبندي به اسلام را تضعيف كنند و يك راهش هم ترويج همين مسائل ضد اخلاقي است.

# ضرورت‌هاي پژوهشي در حوزه اخلاق و راهكارهاي پيشنهادي

## راهكار اثباتي و ايجابي، تنها روش براي مقابله با ناهنجاري‌هاي اخلاقي

هيچ چاره‌اي هم نداريد جز فعاليت اثباتي و ايجابي در مقابل آنها، والا شما هركاري بكنيد ،هر قانوني بگذاريد و هر فتوايي صادر بشود كه مشاهده اينها يا استفاده از اين ابزارها حرام است، گناه است؛ تاثيري ندارد كار از اين حرفها گذشته، بند را آب برده، تنها چيزي كه مي‌تواند در مقابل اينها اثر بكند فعاليت مثبتي است در مقابل آنها. يعني تربيت صحيح اخلاقي

## آغاز فعاليت اخلاقي و تربيتي از جوانان، به دليل آلودگي كم‌تر

و البته هرچقدر زودتر شروع شود از جوانهايي كه كمتر آلوده شده‌اند خيلي بهتر و موثرتر است مي تواند باشد،

## پاسخگويي نظري و علمي به شبهات اخلاقي

اينها را اشاره كردم كه دلايلي است كه وجوب پرداختن به مسائل اخلاقي را باضعافٍ مضاعفه تاكيد مي‌كند. امروز مي‌شود گفت يكي از واجبترين كارهايي كه بر بزرگان حوزه بر علما و فضلا واجب هست، اين است كه در اين زمينه فكري بكنند.

هم از نظري علمي شبهاتي كه در اين زمينه هست پاسخ بدهند

## پژوهش‌هاي تطبيقي اخلاقي با تكيه بر معارف اهل بيت(ع)، با دقت و بدون اهمال‌كاري

بحثهاي تطبيقي اخلاقي انجام بدهند آنچه در معارف اهل بيت(عليهم السلام) آمده باز كرده و در دسترس مردم قرار بدهند روي آن كار بكنند، كار علمي تحقيقي بكنند نه تنها سرهم‌بندي كردن و اسم پژوهش روي آن بگذارند و هم در زمينه عمل سعي بشود كه برنامه هايي اجرا شود كه جلوي اين مفاسد را بگيرد.

## ايجاد انگيزه فردي براي دوري از ناهنجاري‌هاي اخلاقي، به دليل ناكارآمدي زور در اين زمينه

يعني انگيزه‌هايي در خود افراد ايجاد كند كه خودشان كمتر بروند سراغ آنها وگرنه با زور هرچقدر جلوي اينها را بگيري شايد حريص‌تر هم بشوند.

### برخورد قانوني دولت با ابزارهاي ترويج مفاسد اخلاقي؛ وظيفه‌اي خارج از حوزه‌هاي علميه

حالا اين وظيفه ديگري است برخورد دولتي و قانوني با اين ابزارها و يا با بعضي از آموزشها وظيفه خودشان است. شايد هم در آن زمينه‌ها بايد كار بيشتري انجام بگيرد.

# وجوبي بودن تكليف علما در پرداختن به پژوهش‌هاي اخلاقي

حالا چيزي كه مربوط به ما هست و به مناسبت تاسيس اين موسسه بايد عرض كنم اين است كه خيال نكنيد پرداختن به بحث‌هاي اخلاقي يك فضيلتي است، يك ثوابي دارد. امروز از مؤكدترين واجبهاست. براي اينكه فساد اخلاقي چنان گسترش پيدا كرده و در بهترين و پاكترين مراكز نفوذ كرده كه جز با فعاليت مثبت در اين زمينه جلوي آن را نمي‌توان گرفت.

## هم‌عرض بودن پژوهش‌هاي اخلاقي و مقابله با شبهات اعتقادي؛ به عنوان دو واجب مؤكّد

بنابراين واجبترين واجبات است يكي از واجباتي است كه در اين زمينه مي‌توان انجام داد تنها چيزي كه مي‌توان در قبال اين شريك و همتا از نظر وجوب قرار داد مقابله با شبهات اعتقادي است. اين دو را مي‌توان در عرض هم دو واجب مؤكد گفت. همه چيزهاي ديگر اهميتش كمتر از اين دو است. همه چيزها كه عرض مي‌كنم يعني همه چيز‌ها.

# هدف عملي داشتن؛ تفاوت جوهري رشته اخلاق با ساير رشته‌هاي علمي

من براي كساني كه براي چنين برنامه‌اي زحمت كشيده‌اند، طراحي كرده‌اند ، فكر كرده‌اند، مشورت كرده‌اند، مطالعه كرده‌اند، در جهت اجرا آن تلاش‌كرده‌اند از خداي متعال توفيق بيشتر مي‌طلبم و يك نكته را در آخر عرض مي‌كنم: اين رشته‌اي را كه شما شروع مي‌كنيد البته شروع از لحاظ درس رسمي و الا همه شما فاضل و منزه هستيد، اين فرقي با ساير رشته‌ها دارد؛ يك فرق جوهري، حتي با مسائل اعتقادي، فلسفي، عرفاني، يك فرق اساسي دارد و آن اين است كه هدف از اين رشته اين است كه شما تربيت كنيد ديگران را، تربيت اخلاقي كنيد. جلوي مفاسد اخلاقي را بگيريد، اخلاق فاضله را ترويج كنيد. يعني يك هدف عملي داريد تنها به بحث نظري اكتفا نمي‌كنيد.

كار فقيه آخرش صدور يك فتوا است، فقيه بما انه فقيه آخرش اين است كه فتوا بدهد، استدلال كند، اثبات كند، فقيه بما انه فقيه وظيفه ديگري ندارد. اما مربي اخلاقي كارش تربيت اخلاقي است يعني برنامه‌اي اجرا كند، مقدماتي فراهم كند كه ديگران رشد كنند؛ مفاسدشان زدوده شود.

## ضرورت تأديب نفس خود؛ پيش از پرداختن به تربيت ديگران، به دليل هدف عملي اخلاق

اين كار به خاطر اين اختلاف اساسي كه دارد يك شرط لازم ديگري را براي كساني كه ممارست مي‌كنند ايجاب مي‌كند و آن اين است كه قبل از آن كه به تربيت ديگران بپردازند اول به تاديب خودشان بپردازند. به تعبير مقام معظم رهبري دستمالي كه شما مي‌خواهيد آئينه را پاك كنيد خود دستمال بايد خيلي تميز باشد اگر دستمال كثيف باشد آئينه را پاك نمي‌كند هيچ، كثيف‌تر هم مي‌كند. اين است كه ما در كنار برنامه آموزشي‌مان اگر نگويم خيلي بيشتر از آموزش لااقل در حد آموزش بايد به خودسازي بپردازيم اول خودمان را اصلاح كنيم تا بتوانيم به اصلاح ديگران بپردازيم.

و فقنيِ الله و اياكم انشاء الله و سلام عليكم و رحمه الله